

ایران و راه صلح در منطقه

محمد جواد ظریف، دانشیار رشته مطالعات جهانی در دانشگاه تهران است. او از مرداد 1403 سمت معاون راهبردی رئیس‌جمهور را بر عهده داشته است. او از سال 1392 تا 1400، وزیر امور خارجه ایران، از سال 1392 تا 1394، رئیس مذاکره‌کنندگان هسته‌ای کشور و از سال 1381 تا 1386 به‌عنوان سفیر ایران در سازمان ملل فعالیت کرده است.

در 9 مرداد 1403، مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید ایران سوگند یاد کرد. تنها چند ساعت پس از این مراسم، اسماعیل هنیه، نخست‌وزیر پیشین تشکیلات خودگردان و رئیس دفتر سیاسی حماس، توسط اسرائیل در یک مهمانسرا نزدیک به مجموعه ریاست‌جمهوری ترور شد. هنیه برای شرکت در مراسم تحلیف دعوت شده بود و کشته شدن او در خاک ایران سایه‌ای بر این مراسم افکند. این موضوع همچنین چالش‌هایی را که پزشکیان در پیشبرد برنامه سیاست خارجی‌اش با آن مواجه خواهد شد، نشان داد.

اما پزشکیان به خوبی می‌تواند با دشواری‌های پیش رو در سال‌های آینده مقابله کند. پزشکیان به این نکته اذعان دارد که جهان در حال گذار به عصر پسا قطبی است که در آن کنشگران جهانی می‌توانند همزمان در زمینه‌های مختلف همکاری و رقابت کنند. او یک سیاست خارجی انعطاف‌پذیر را اتخاذ کرده و به گفتگوهای سازنده و روابط دیپلماتیک اولویت داده و از الگوهای قدیمی فاصله گرفته است. دیدگاه او برای امنیت ایران یکپارچه است و شامل قابلیت‌های دفاعی سنتی و توسعه امنیت انسانی از طریق بهبود در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی می‌باشد.

پزشکیان به ثبات و توسعه اقتصادی در خاورمیانه علاقه‌مند است. او می‌خواهد با کشورهای عرب همسایه همکاری کند و روابط با همپیمانان ایران را تقویت نماید. اما او همچنین تمایل دارد تا به‌طور سازنده با غرب در تعامل باشد. دولت او برای مدیریت تنش‌ها با ایالات متحده، که به تازگی رئیس‌جمهور جدیدی نیز انتخاب کرده، آماده است. پزشکیان آماده است مذاکراتی از جایگاه برابر درباره توافق هسته‌ای و شاید موارد بیشتری انجام گیرد.

با این حال، همانطور که پزشکیان بیان کرده، ایران به خواسته‌های غیرمعقول تسلیم نخواهد شد. این کشور همیشه در برابر تهاجمات اسرائیل ایستاده و از محافظت از منافع ملی‌اش چشم‌پوشی نخواهد کرد.

سیاست محلی است

این یک لحظه تاریخی برای ثبات است که جهان نباید آن را از دست بدهد. تهران قطعاً این کار را نخواهد کرد. پس از بیش از دو قرن آسیب‌پذیری، ایران—تحت رهبری مقام معظم رهبری—نهایتاً ثابت کرده است که می‌تواند در برابر هرگونه تهاجم خارجی از خود دفاع کند. برای ارتقاء این دستاورد به سطحی بالاتر، ایران، تحت مدیریت جدید خود، قصد دارد روابط خود را با کشورهای همسایه بهبود بخشد تا به ایجاد یک نظم منطقه‌ای که ثبات، ثروت و امنیت را فراهم کند، کمک کند. منطقه ما مدت‌هاست که دچار

مداخله‌های خارجی، جنگ‌ها، اختلافات مذهبی، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، کمبود آب، بحران پناهندگان و تخریب محیط زیست بوده است. برای مقابله با این چالش‌ها، ما تلاش خواهیم کرد تا به سمت ادغام اقتصادی، امنیت انرژی، آزادی نوبری، حفاظت از محیط زیست و گفت‌وگوی بین ادیان پیش برویم.

در نهایت، این تلاش‌ها می‌تواند به یک توافق جدید منطقه‌ای منجر شود که وابستگی خلیج فارس به قدرت‌های خارجی را کاهش دهد و ذینفعان را تشویق کند تا با استفاده از سازوکارهای حل اختلاف به حل اختلافات بپردازند. برای این منظور، کشورهای منطقه می‌توانند به دنبال معاهدات، ایجاد نهادها، تصویب سیاست‌ها و گذراندن اقدامات قانونی باشند. ایران و همسایگانش می‌توانند با تقلید از فرایند هلسینکی، که به تاسیس سازمان امنیت و همکاری در اروپا منجر شد، آغاز کنند. آن‌ها می‌توانند از مأموریتی که شورای امنیت ملل متحد در سال 1366 به دبیرکل ملل متحد در قطعنامه 598 داده است، استفاده کنند. این قطعنامه که جنگ ایران و عراق را پایان داد، از دبیرکل خواسته بود تا با ایران، عراق و سایر کشورهای منطقه مشاوره کند تا اقداماتی را برای تقویت امنیت و ثبات در خلیج فارس بررسی کند. دولت پزشکیان بر این باور است که این بند می‌تواند به‌عنوان مبنای قانونی برای مذاکرات جامع منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

البته، موانعی وجود دارد که ایران و همسایگانش باید بر آنها غلبه کنند تا یک نظم منطقه‌ای صلح‌آمیز و یکپارچه را ترویج دهند. برخی اختلافات با همسایگان ریشه‌های عمیق‌تری دارند که تحت تأثیر تفسیرهای مختلف از تاریخ شکل گرفته‌اند. اختلافات دیگر ناشی از تصورات نادرست هستند که عمدتاً ناشی از ارتباطات ضعیف یا ناکافی می‌باشند. برخی دیگر نیز انگاره‌های سیاسی هستند که توسط نیروهای خارجی به وجود آمده‌اند، مانند ادعاهایی که در مورد ماهیت و هدف برنامه هسته‌ای ایران مطرح می‌شود.

اما خلیج فارس باید به جلو برود. دیدگاه ایران با منافع کشورهای عربی نیز هم‌راستا است، زیرا همه آنها نیز به دنبال یک منطقه پایدارتر و مرفه‌تر برای نسل‌های آینده هستند. بنابراین، ایران و جهان عرب باید بتوانند از طریق اختلافات خود همکاری کنند. حمایت ایران از مقاومت فلسطین می‌تواند به راه‌اندازی چنین همکاری کمک کند. به هر حال، جهان عرب در حمایت از بازگرداندن حقوق مردم فلسطین با ایران متحد است.

شروع دوباره

پس از بیش از 20 سال محدودیت‌های اقتصادی، ایالات متحده و همپیمانان غربی آن باید بپذیرند که ایران به فشار تسلیم نمی‌شود. اقدامات فزاینده آنها همواره به خودشان آسیب زده است. در اوج آخرین کارزار فشاری ایالات متحده — فقط چند روز پس از ترور دانشمند هسته‌ای پیشرو ایران، محسن فخری‌زاده — مجلس ایران قانونی را تصویب کرد که به دولت دستور داد تا برنامه هسته‌ای خود را به سرعت جلو ببرد و نظارت بین‌المللی را کاهش دهد. تعداد سانتریفیوژهای ایران از سال 1397 — زمانی که رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، از توافق هسته‌ای خارج شد — به شدت افزایش یافته و سطح غنی‌سازی از 3.5 درصد به بالای 60 درصد رسیده است. تصور اینکه هیچ‌یک از این موارد رخ داده باشد اگر غرب رویکرد همکاری را رها نمی‌کرد، دشوار است. در این زمینه، ترامپ که در ژانویه دوباره به مقام ریاست‌جمهوری باز می‌گردد و شرکای و اشنگتن در اروپا، تنها باید خود را برای پیشرفت مستمر هسته‌ای ایران سرزنش کنند.

به جای افزایش فشار بر ایران، غرب باید به دنبال راحل‌های مثبت و سودآور باشد. توافق هسته‌ای نمونه‌ای منحصر به فرد است و غرب باید به احیای آن بپردازد. اما برای این کار، باید اقدامات مشخص و عملی—شامل اقدامات سیاسی، قانونی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک سودآور—انجام دهد تا اطمینان حاصل کند که همان‌طور که وعده داده شده است ایران می‌تواند به‌طور اقتصادی از این توافق بهره‌برداری کند. اگر ترامپ تصمیم به انجام چنین اقداماتی بگیرد، ایران آماده است تا گفت‌وگویی داشته باشد که به نفع تهران و واشنگتن باشد.

در مقیاس وسیع‌تر، سیاست‌گذاران غربی باید بپذیرند که راهبردهایی که هدفشان تقابل ایران و کشورهای عربی با یکدیگر از طریق حمایت از ابتکاراتی مانند آنچه به اصطلاح توافقنامه‌های ابراهیم نامیده می‌شود (که روابط میان کشورهای عربی مختلف و اسرائیل را عادی کرد) بوده، در گذشته ناکام مانده و در آینده نیز موفق نخواهد شد. غرب نیاز به رویکردی سازنده‌تر دارد—رویکردی که به اعتماد به نفس به‌دست‌آمده ایران احترام بگذارد، ایران را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ثبات منطقه‌ای بپذیرد و به دنبال راحل‌های مشترک برای چالش‌های مشترک باشد. چنین چالش‌های مشترکی می‌تواند تهران و واشنگتن را ترغیب کند تا به مدیریت تعارض و نه تصعید آن بپردازند. تمام کشورها، شامل ایران و ایالات متحده، منافع مشترکی در رفع علل ریشه‌ای بی‌ثباتی در منطقه دارند.

به عبارت دیگر تمام کشورها در پایان به اشغال اسرائیل مسئولند. آنها باید درک کنند که مقاومت تا زمانی که اشغال ادامه یابد، ادامه خواهد داشت. اسرائیل ممکن است فکر کند می‌تواند به‌طور دائم بر فلسطینی‌ها پیروز شود، اما نمی‌تواند؛ مردمی که چیزی برای از دست دادن ندارند، نمی‌توانند شکست بخورند. سازمان‌هایی مانند حزب‌الله و حماس، جنبش‌های آزادی‌بخشی هستند که در پاسخ به اشغال به وجود آمده‌اند و تا زمانی که شرایط کنونی پایدار باشد—به عبارت دیگر، تا زمانی که حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها به رسمیت شناخته نشود—به ایفای نقش مهم خود ادامه خواهند داد. می‌توان مراحل میانی را هم در نظر گرفت، از جمله آتش‌بس‌های فوری در لبنان و غزه.

ایران می‌تواند به ایفای نقش سازنده‌اش در پایان دادن به وضعیت فجیع فعلی در غزه ادامه دهد و با جامعه بین‌المللی همکاری کند تا به یک راحل پایدار و دموکراتیک برای این درگیری بپردازد. ایران هر راحل قابل قبولی برای فلسطینی‌ها را می‌پذیرد، اما دولت ما معتقد است که بهترین راحل برای خروج از این بحران صد ساله، برگزاری یک همه‌پرسی است که در آن همه کسانی که بین رود اردن و دریای مدیترانه—مسلمانان، مسیحیان و یهودیان—زندگی می‌کنند و فلسطینی‌هایی که در سده بیستم به دیاسپورا رانده شدند (همراه با نسل‌های بعدی‌شان) قادر به تعیین یک سیستم حکومتی معقول باشند. این در راستای قوانین بین‌المللی است و بر موفقیت آفریقای جنوبی، که نظام آپارتاید به یک دولت دموکراتیک موفق تبدیل شد، بنا شده است.

تعاملات سازنده با ایران و تعهد به دیپلماسی چندجانبه می‌تواند به ایجاد چارچوبی برای امنیت و ثبات جهانی در خلیج فارس کمک کند. این می‌تواند به کاهش تنش‌ها و فراهم آوردن رفاه و توسعه پایدار در طولانی‌مدت یاری رساند. این تغییر برای غلبه بر تضادهای ریشه‌دار حیاتی است. هرچند که امروز ایران اطمینان دارد که می‌تواند برای دفاع از خود بجنگد، اما خواهان صلح است و مصمم به ساختن آینده‌ای بهتر است. ایران می‌تواند یک شریک توانمند و آماده باشد، به شرط اینکه شراکت‌هایش بر مبنای احترام متقابل و پایبندی به برابری باشد. بیایید این فرصت را برای یک شروع جدید از دست ندهیم.